

## ژئوپلیتیک مرزهای امارات عربی متحده

دکتر اصغر جعفری ولدانی

### چکیده:

امارات عربی متحده از هنگام پا گرفتن در ۱۹۷۱ تاکنون با چالشهای سنگین روبه‌رو بوده است. ژئوپلیتیک امارات عربی متحده و نیز اختلافهای دامنه‌دار سرزمینی آن کشور با همسایگان، از این چالشهاست. هفت عضو فدراسیون امارات عربی متحده با یکدیگر اختلافهای دامنه‌دار سرزمینی دارند و از همین رو، مرزها میان اعضای فدراسیون، مشخص نشده است. از سوی دیگر، مرزهای امارات با همسایگانش نیز مشخص نشده و بر روی زمین نشانه‌گذاری نشده است. مرزهای يك کشور، نشان‌دهنده هویت آن، بعنوان يك واحد سیاسی مستقل است. امارات عربی متحده تنها کشور بی‌مرز در جهان است. بر این پایه و به علت روشن نبودن مرزهای آن کشور، باید گفت که فدراسیونی به نام امارات عربی متحده، ساختگی است.

### پیشگفتار

جماهیر شوروی، کودتای کمونیستی در افغانستان، ترس از دامن‌گستری انقلاب اسلامی ایران، جنگ ایران و عراق، تجاوز عراق به کویت، و ادعای بی‌پایه درباره جزایر ایرانی تنب و ابوموسی از ۱۹۹۲ تاکنون. با آزاد شدن کویت در ۱۹۹۱، خطر عراق از میان رفت و بدین‌سان امارات عربی متحده با نبود خطر بیرونی روبه‌رو شد. از همین رو، درست در دومین سالگرد آزادی کویت، با برنامه‌ای از پیش تنظیم شده، مسأله جزایر ایرانی تنب و ابوموسی را پیش کشید تا جای خالی تهدید بیرونی را پر کند. طرح مسأله جزایر ایرانی تنب و ابوموسی از سوی امارات عربی متحده، سبب شده است که اختلافهای مرزی و سرزمینی این کشور با همسایگان و نیز اختلافهای مرزی و سرزمینی میان هفت عضو فدراسیون امارات، برای چندی

به هنگام برپا شدن امارات عربی متحده، بسیاری کسان تردید داشتند که این فدراسیون بتواند بیش از ۶ ماه دوام آورد. (Meri Report, 1985, 23) اکنون نیز گرچه نزدیک به ۴ دهه از پیدایش آن می‌گذرد، آینده آن بیش از هر زمان دیگر نامطمئن است. آنچه امارات هفتگانه را در چارچوب فدراسیون به هم پیوند داده، خطرهای بیرونی است. به سخن دیگر، امارات عربی متحده تنها کشوری در جهان است که بقای آن به بحرانهای بیرونی وابسته است. از ۱۹۷۱ تاکنون، عوامل زیر مایه بقای فدراسیون شده است: ترس از اقدامات براندازی دولت عراق، ترس از گسترش جنبش ظفار، نگرانی از توسعه طلبی عربستان، هراس از یمن جنوبی و اتحاد

جغرافیا و سیاست حکومتها می‌پردازد». (ژرژ، ۱۳۴۹، ۲۷) هاوز هوفر در مورد ژئوپلیتیک می‌گوید: «ژئوپلیتیک وجدان جغرافیایی کشور خواهد شد و باید بشود. هدف ژئوپلیتیک مطالعه ارتباط حیاتی انسان امروز با محیط کنونی پیرامون آن است و در نهایت هماهنگی پدیده‌هایی است که کشور و محیط پیرامونش را به هم پیوند می‌دهد». (ژرژ، ۱۳۵۱، ۳۲) ساموئل بی‌کوهن در کتاب خود به نام «جغرافیا و سیاست در جهان تقسیم شده» درباره ژئوپلیتیک نوشته است: «ژئوپلیتیک مطالعه روابطی است که میان سیاست بین‌المللی، قدرت و مشخصات جغرافیایی برقرار می‌شود». (عزتی، ۱۳۸۰، ۷)

از دید فریدریش راتزل، کشورها موجودات زنده‌ای هستند که فضایی را اشغال می‌کنند، رشد می‌کنند، تحلیل می‌روند و سرانجام می‌میرند. به گفته او، انسان همواره درگیر مبارزه برای دستیابی به فضایی برای زندگی است. پهنه سرزمینی کشورها، جایگاه قدرت آنها را مشخص می‌کند. کشورها می‌کوشند مرزهای خود را گسترش دهند. بر این پایه، مرزها پیوسته دستخوش دگرگونی است و «مرزهای پویا» به پهنه کشمکش کشورها شکل می‌دهد. مرزها یا «مرزهای پویا»، حد فاصل مناطقی شناخته می‌شود که توسعه طلبی، برای چندی، در آنها متوقف شده است. (دوئرتی، فالتزگراف، جلد ۱، ۱۳۷۲، ۱۱۹)

به نوشته هاوز هوفر، کشورها می‌کوشند به مرزهایی دست یابند که دربرگیرنده منطقه‌ای با جمعیتی پراکنده باشد، یعنی منطقه‌ای بیرون از فضای حیاتی که

○ مرزهای يك کشور، نشان‌دهنده هویت آن، بعنوان يك واحد سیاسی مستقل است. امارات عربی متّحده تنها کشور بی‌مرز در جهان است. بر این پایه و به علت روشن نبودن مرزهای آن کشور، باید گفت که فدراسیونی به نام امارات عربی متّحده، ساختگی است.

مسکوت بماند. (EIU, United Arab Emirates, 1992,4) امارات عربی متّحده، در حالی مسأله جزایر ایرانی تنب و ابوموسی را مطرح می‌کند، که بیش از هر کشور دیگری در جهان، با همسایگان خود اختلافهای مرزی و سرزمینی دارد. امارات عربی متّحده تنها کشور در حوزه خلیج فارس، خاورمیانه و شاید جهان است که هیچیک از مرزهایش تاکنون به روشنی مشخص و روی زمین نشانه گذاری نشده است.

از دید جونز، تعیین مرز میان کشورها در ۳ مرحله صورت می‌گیرد: در مرحله نخست، بر سر «مکان تقریبی مرز» تفاهم می‌شود. این مرحله گویای تفاهم آغازین دولت‌ها درباره ادعاهای سرزمینی آنهاست. در این مرحله، خطوط به گونه تقریبی روی نقشه مشخص می‌شود، ولی هنوز نقشه برداری دقیق از محل انجام نشده است. در مرحله دوم «تحدید حدود» صورت می‌گیرد و خط مرز به دقت مشخص و مشروعیت آن به گونه رسمی از سوی طرفها پذیرفته می‌شود. مرحله سوم «نشانه گذاری مرز روی زمین» است. در این مرحله، کارشناسان خط مرزی را روی زمین نشانه گذاری می‌کنند. (Jones, 1995, p.5)

در ایسدل و بلیک بر این باورند که تا هنگامی که این ۳ مرحله پشت سر گذاشته نشده باشد، مرز می‌تواند بحران ساز باشد. نظر در ایسدل و بلیک، آشکارا در مورد مرزهای امارات عربی متّحده راست می‌آید (Drysedale and Blake, 1958, 85) زیرا مرزهای آن با عربستان و قطر به علت اختلافهای دامنه دار سرزمینی، تاکنون هیچیک از مراحل تحدید حدود را نگذرانده است. هر چند در مورد مرزهای امارات عربی متّحده با عمان به تازگی تفاهمهایی (مرحله نخست) صورت گرفته، ولی در سایه پیچیدگیهای ژئوپلیتیکی در شبه جزیره مسندم، چه بسا این مرزها هرگز روی زمین نشانه گذاری نشود.

### آسیب‌پذیری ژئوپلیتیکی امارات عربی متّحده

ژئوپلیتیک، نقش عوامل جغرافیایی در سیاست کشورها را بررسی می‌کند. در فرهنگ فرانسوی روبرو درباره واژه ژئوپلیتیک چنین آمده است: «ژئوپلیتیک علمی است که به مطالعه روابط بین داده‌های طبیعی،

در آن روزگار شارجه به همه سرزمینهای کنونی شارجه، راس الخیمه، فجیره و بخشهای بزرگی از خاک دبی گفته می‌شد. در سالهای میانی سده نوزدهم، شیخ سلطان بن صغر با قدرت بر سراسر شارجه فرمان می‌راند.

از سوی دیگر، در همان هنگام بریتانیا در اندیشه گسترش نفوذ خویش در خلیج فارس بود. از دید بریتانیا، خلیج فارس برای حفظ هندوستان بسیار اهمیت داشت. از همین رو با بستن قراردادهایی با شیخ نشینهای یاد شده، در ۱۸۹۲ آنها را تحت الحمايه خود کرد. بریتانیا در ۱۹۶۸ تصمیم گرفت نیروهای خود را در ۱۹۷۱ از خلیج فارس فراخواند و فدراسیونی از امارات یاد شده برپا کند. بدین سان در دوم دسامبر ۱۹۷۱ امارات عربی متحده با عضویت ابوظبی، دبی، شارجه، عجمان، ام القوین و فجیره تشکیل شد. با عضویت رأس الخیمه در ۱۹۷۲، شمار اعضای فدراسیون به ۷ امارت رسید.

شکل جغرافیایی امارات عربی متحده مانند يك مشك آب است که دهانه آن، باریکه میان خلیج فارس و دریای عمان در شبه جزیره مسندم است. در نقشه‌های جغرافیایی، امارات عربی متحده پیوسته به قطر نشان داده می‌شود، در حالی که بر پایه قرارداد ۱۹۷۴، عربستان در باختر امارات عربی متحده، گذرگاهی به خلیج فارس به دست آورده و میان امارات و قطر جدایی افتاده است.

از پیدایش امارات عربی متحده تا کنون، کمابیش ۴ دهه می‌گذرد. در این مدت، امارات عربی متحده، کمتر «متحد» بوده است. تجربه در جای جای جهان نشان داده که برای کشورهای مستقل بسیار دشوار است که فدراسیون یا گونه دیگری اتحادیه سیاسی برپا کنند. تاریخ بر ایستادگی کشورها در برابر پیشنهاد چشمپوشی از حاکمیتشان گواهی می‌دهد. برای کشورها همکاری نزدیک اقتصادی آسانتر از یکپارچه شدن در چارچوب فدراسیون سیاسی است.

امارات عربی متحده در سنجش با دیگر کشورهای خلیج فارس، سست‌ترین رهبری و ناهمبسته‌ترین نظام سیاسی را دارد. قدرت سیاسی در هر يك از امارات در دست خانواده‌ای است. آل نهیان در ابوظبی، آل مکتوم

○ به هنگام برپا شدن امارات عربی متحده، بسیاری کسان تردید داشتند که این فدراسیون بتواند بیش از ۶ ماه دوام آورد. اکنون نیز گرچه نزدیک به ۴ دهه از پیدایش آن می‌گذرد، آینده آن بیش از هر زمان دیگر نامطمئن است. آنچه امارات هفتگانه را در چارچوب فدراسیون بهم پیوند داده، خطرهای بیرونی است. به سخن دیگر، امارات عربی متحده تنها کشوری در جهان است که بقای آن به بحرانهای بیرونی وابسته است.

کشور مربوط را از کشورهای همسایه جدا کند. هاوس هوفر و پیروانش جهان را دربرگیرنده کشورهای بالنده و میرنده می‌دانستند. (دوئرتی، فالتزگراف، ۱۲۱، ۱۳۸۲) با توجه به این توضیحات، اکنون موقع جغرافیایی و مرزهای امارات عربی متحده را بررسی می‌کنیم.

از شبه جزیره قطر تا شبه جزیره مسندم واقع در تنگه هرمز، به ترتیب ۶ امارت ابوظبی، دبی، شارجه، عجمان، ام القوین و راس الخیمه واقع شده‌اند. شیخ نشین فجیره نیز همراه با سه ناحیه متعلق به آن به نامهای کلبا، خورفکان و ديبا در کناره دریای عمان قرار گرفته است. تاریخ این شیخ نشینها از دو سده فراتر نمی‌رود. در ۱۷۶۱ قبایل بنی یاس به جزیره ابوظبی کوچیدند و چون به آب دسترسی یافتند در آنجا اقامت گزیدند. بدین سان، شالوده شهر ابوظبی گذاشته شد. تاریخ دبی روشن نیست؛ شاید در روزگار دور، از بندرهای عمان بوده است. به هر رو در ۱۸۳۳ یکی از طوایف بنی یاس به نام آل بوفلاسه به علت نارضایتی از شیخ شخبوط حاکم ابوظبی به محل کنونی دبی کوچ و این امارت را پایه گذاری کردند.

همچنین در سالهای پایانی سده هیجدهم طایفه دیگری از اعراب به نام جواسم یا قاسمیان به محل کنونی شارجه و رأس الخیمه کوچیدند و در آنجا ماندگار شدند.

آب، یا باغ، یا بخشی از يك واحه را به یکی از هفت امیرنشین می دادند.

بدین سان، واکر ۳۶ منطقه را بررسی و تصمیم نهایی خود را در ۲۰ مورد اعلام کرد. وی در ۷ مورد به تصمیم گیری نزدیک شد، اما توصیه ای نکرد. در ۹ مورد نیز توانست تصمیم بگیرد. به دنبال آن، نامه هایی برای حاکمان مورد نظر فرستاد و نظر خود را اعلام کرد. بر سرهم، نظرات واکر جز چند مورد پذیرفته شد. (Hawley, 1969, 289) شیخ رأس الخیمه با نظر واکر در مورد مرز این شیخ نشین با فجیره مخالفت کرد. واکر همچنین در ۱۹۶۱ دست به تعیین مرزهای ابوظبی و دوبی زد که بیشتر کاری در این زمینه نشده بود. با روشن شدن مرزهای این دو امارت، شرکتهای نفتی توانستند عملیات اکتشافی خود را در مناطقی که پیشتر مورد اختلاف بود، آغاز کنند.

مرزهای تعیین شده میان امارات بسیار عجیب و غریب است. حاکم عجمان سرزمینی به نام منامه روی خط مرزی شارجه و فجیره دارد. این سرزمین،

○ با آزاد شدن کویت در ۱۹۹۱، خطر عراق از میان رفت و بدین سان امارات عربی متّحده با نبود خطر بیرونی روبه رو شد. از همین رو، درست در دومین سالگرد آزادی کویت، با برنامه ای از پیش تنظیم شده، مسأله جزایر ایرانی تنب و ابوموسی را پیش کشید تا جای خالی تهدید بیرونی را پر کند. طرح مسأله جزایر ایرانی تنب و ابوموسی از سوی امارات عربی متّحده، سبب شده است که اختلافهای مرزی و سرزمینی این کشور با همسایگان و نیز اختلافهای مرزی و سرزمینی میان هفت عضو فدراسیون امارات، برای چندی مسکوت بماند.

در دوبی، دو شاخه از قاسمی ها در شارجه و رأس الخیمه، المعلا در ام القوین، الشرقی در فجیره و آل نعیمی در عجمان قدرت را به دست دارند. حکومت در این خانواده ها موروثی است.

امارات عربی متّحده ساختار سیاسی، جمعیتی، نژادی، نظامی و اقتصادی همگونی ندارد. این ساختار ناهمگون، در جهت مخالف یکپارچگی امارات و در تعارض با قدرت یافتن بنیادهای نظامی و اقتصادی کشور عمل می کند. از دید پهنه جغرافیایی و شمار جمعیت نیز تفاوت چشمگیری میان ۷ امارت دیده می شود. ابوظبی به تنهایی ۸ برابر شش امیرنشین دیگر مساحت دارد و این، سنگینی وزنه ابوظبی در میان امارات را نشان می دهد. عجمان و ام القوین کوچکترین امارات به شمار می روند و هر يك تنها يك بندر را در بر می گیرد. جمعیت امارات هفتگانه نیز بسیار متفاوت است.

مرزهای داخلی در امارات عربی متّحده، همواره عاملی کارساز در جلوگیری از دستیابی این کشور به يك هویت فدرالی راستین بوده است. در میان ۷ امارت، تنها ابوظبی و ام القوین واحدهای سرزمینی یکپارچه به شمار می روند. شارجه از ۵ بخش، عجمان با ۲۵۹ کیلومتر مربع از ۳ بخش، رأس الخیمه، فجیره و دوبی هر يك از دو بخش جداگانه تشکیل شده اند. نقشه سیاسی فدراسیون، در واقع گویای وجود اختلافهای مرزی و سرزمینی گوناگون در میان امارات عضو است.

تا ۱۹۵۴، مرز مشخصی میان امارات وجود نداشت. در آن سال، به علت واگذاری امتیازات نفتی، تعیین مرزها اهمیت یافت. از همین رو در ۱۹۵۵ جولیان واکر نماینده سیاسی بریتانیا بررسی مرزهای امارات را آغاز کرد. همه حاکمان امارات متعهد شدند که تصمیمات نماینده سیاسی بریتانیا را در مورد مرزها بپذیرند. اساس کار واکر در تعیین مرزها، وفاداری قبیله ای بود. واکر یا نمایندگان او به امارات رفتند و در هر جا به قبیله یا کسانی که در کنار چاه آبی، درخت خرما، واحه ای، قنات آبی، باغ سرسبزی می رسیدند می پرسیدند شیخ آن‌ها کیست. پس از آن با شیخ دیدار می کردند و از او می خواستند به بریتانیا ابراز وفاداری کند و آنگاه هر چاه

دوبی جزو شارجه و بقیه جزو قلمرو ابوظبی بود. این مسأله همواره در گذشته مایه اختلاف دو امارت بوده است؛ اختلافی که حتا در ۱۹۴۶ به جنگی انجامید که يك سال به درازا کشید.

در ۱۹۶۵، با میانجیگری بریتانیا که سرپرستی روابط خارجی هر دو امارت را داشت، موافقتنامه‌ای برای تحدید مرزهای دریایی میان دو امارت بسته شد، اما يك سال بعد، پس از پیدا شدن نفت در آبهای فلات قاره این منطقه، ابوظبی یکجانبه این موافقتنامه را لغو کرد. کاوشهای شرکت نفت دوبی در میدان الفتح، با کشف ذخایر نفت به میزان تجاری به نتیجه رسید. میدان نفتی الفتح در ۶۰ مایلی کرانه‌های دوبی و کمابیش در محل تلاقی فلاتهای قاره ایران، ابوظبی و دوبی قرار دارد. با پیدا شدن نفت در این میدان، شیخ شخبوط حاکم ابوظبی بی‌درنگ نسبت به آن ادعای مالکیت کرد. وی حتا شرکت‌های نفتی عامل را تهدید کرد که در صورت بهره‌برداری از نفت، از آنها خلع ید خواهد کرد. در پی این تهدید، بهره‌برداری از میدان نفتی الفتح متوقف شد. شیخ شخبوط در سفری به انگلستان، این تهدید را تکرار کرد و گفت اگر به ادعای وی توجه نشود، انگلیسی‌ها را از ابوظبی بیرون خواهد کرد. همین مسأله موجب شد که انگلیسی‌ها وی را برکنار کنند.

چندی پس از آن، در ۱۸ فوریه ۱۹۶۸ دوبی و ابوظبی موافقتنامه‌ای در زمینه تحدید مرزهای دریایی امضاء کردند. بر پایه این موافقتنامه، مرز دریایی دو امارت به گونه خطی راست که به سمت شمال باختری پیش می‌رود و از باختر میدان نفتی الفتح می‌گذرد تعیین شد. بر پایه این قرارداد، قطعه مثلث شکلی که رأس آن به سمت شمال و قاعده آن ۱۰ کیلومتر از ساحل است، جزو امارت دوبی شناخته شد. بدین سان، میدان نفتی فاتح در قلمرو دوبی قرار گرفت. همچنین، يك منطقه مورد اختلاف دیگر در خشکی تا زمان حل و فصل نهایی آن از راه حکمیت، بیطرف اعلام و قرار شد در صورت پیدا شدن نفت در این منطقه در آینده، در آمد آن به تساوی میان این دو امارت تقسیم شود. علت اصلی گرایش ابوظبی به حل و فصل اختلافها در آن هنگام، فراهم

کوهستانی و دربرگیرنده چندین باغ است. حاکم دوبی نیز مالك يك دهکده در وادی حتی است. بر پایه این تقسیم‌بندیها، نزدیک به دو سوم اختلافهای سرزمینی در امارات عربی متحده از میان رفت ولی هنوز ۱۲ مورد اختلاف مرزی و سرزمینی میان ۷ امارت وجود دارد که بارها مایه برخورد و کشمکش شده است.

همچنین در سالهای ۶۴-۱۹۶۳ بریتانیا دست به کارهایی برای تعیین مرزهای دریایی میان امارات زد. پیش از آن نیز بریتانیا پیشنهادهایی در این زمینه به شیوخ داده بود. در این میان، از ۷ امارت تشکیل دهنده فدراسیون، تنها مرزهای دریایی ابوظبی و دوبی مشخص شده است و وضع دیگر مرزهای دریایی میان امارات هنوز روشن نیست. در این جا نگاهی به آن دسته از اختلافهای سرزمینی که به خشونت کشیده شده و همچنان يك منبع تنش به شمار می‌رود، می‌افکنیم:

**ابوظبی - دوبی:** ابوظبی کمابیش نسبت به نیمی از خاک شیخ نشین دوبی ادعا دارد. ابوظبی می‌گوید دوبی در گذشته بخشی از قلمرو آن بوده است. ریشه اختلافها به ۱۸۳۳ بازمی‌گردد که یکی از طوایف بزرگ بنی یاس که در ابوظبی می‌زیستند، به دورترین بخش خاوری ابوظبی که دوبی کنونی است کوچیدند و در آنجا ماندند و امارت دوبی را برپا کردند. تا آن هنگام بخشی از امارت

### ○ امارات عربی متحده، در حالی مسأله

جزایر ایرانی تنب و ابوموسی را مطرح می‌کند، که بیش از هر کشور دیگری در جهان، با همسایگان خود اختلافهای مرزی و سرزمینی دارد. امارات عربی متحده تنها کشور در حوزه خلیج فارس، خاورمیانه و شاید جهان است که هیچیک از مرزهایش تاکنون به روشنی مشخص و روی زمین نشانه‌گذاری نشده است.

○ امارات عربی متّحده در سنجش با دیگر کشورهای خلیج فارس، سست‌ترین رهبری و ناهمبسته‌ترین نظام سیاسی را دارد. قدرت سیاسی در هر يك از امارات در دست خانواده‌ای است. آل نهیان در ابوظبی، آل مکتوم در دویبی، دو شاخه از قاسمی‌ها در شارجه و راس الخیمه، المعلا در ام‌القوین، الشرقي در فجیره و آل نعیمی در عجمان قدرت را به دست دارند. حکومت در این خانواده‌ها موروثی است.

دو امارت روی داد که در آن نزدیک به ۳۰ تن جان باختند. این بار هم سربازان فدرال ناگزیر از مداخله شدند. در ۱۹۸۰، کمیسیونی برای حلّ اختلاف‌های دو امارت تشکیل شد، اما هنوز کشمکش میان آنها ادامه دارد.

شارجه - ام‌القوین: دومین اختلاف سرزمینی که پس از پیدا شدن نفت پیش آمد، میان شارجه و ام‌القوین بود. شارجه امتیاز نفت در دریای سرزمینی خود را به شرکت آمریکایی بوتس واگذار کرده بود. ام‌القوین نیز چنین امتیازی به يك شرکت آمریکایی دیگر به نام اکسیدنتال داده بود. شرکت اکسیدنتال در ۹ مایلی جزیره ابوموسی به نفت رسید. پس از اعلام پیدا شدن نفت از سوی حاکم ام‌القوین، شیخ شارجه در مارس ۱۹۷۰ فرمانی صادر کرد که تاریخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۶۹ را داشت و بر پایه آن، پهنای دریای سرزمینی جزیره ابوموسی ۱۲ مایل تعیین می‌شد. این، بدان معنا بود که ذخایر نفت کشف شده، در آبهای سرزمینی شارجه قرار می‌گرفت. پس از آن، شیخ شارجه در ۵ آوریل ۱۹۷۰ فرمانی تکمیلی صادر کرد و پهنای دریای سرزمینی خود را به ۱۲ مایل افزایش داد؛ (Amin, 1981, 162) در حالی که پیش از آن، زیر نظر بریتانیا که سرپرستی روابط خارجی آنها را داشت، موافقتنامه‌ای میان دو

آوردن زمینۀ مناسب برای ایجاد امارات عربی متّحده بود. در واقع، بی‌رضایت دویبی، امکان پاگرفتن فدراسیون وجود نداشت.

اما به تازگی اختلاف‌های سرزمینی میان دو امارت از سر گرفته شده است که ناسازگاریهای سیاسی و اقتصادی سرچشمه آن است.

شارجه - فجیره: فجیره از کوچکترین و فقیرترین اعضای اتحادیه امارات عربی متّحده است. فجیره سرزمینی کوهستانی و از امکانات خوب برای کشاورزی برخوردار است. این سرزمین سرسبز و پوشیده از درختان و باغهای میوه است و چشم‌انداز طبیعی بسیار زیبایی دارد. امارت شارجه، سرزمین فجیره را به دو بخش تقسیم کرده و میان شمال و جنوب آن جدایی افکنده است. بخش شمالی سه برابر بخش جنوبی است.

فجیره، پیشتر بخشی از شارجه بود. در ۱۸۶۶، شیخ عبدالله بن خمیس حاکم فجیره از پرداخت مالیات به شارجه خودداری کرد و کوشید از شارجه جدا شود. این تلاش تا ۱۹۰۱ به جایی نرسید ولی در آن سال خودمختاری به دست آورد. فجیره در ۱۹۵۲ مستقل شد و بریتانیا بر پایه پیمانی، استقلال آنرا به رسمیت شناخت.

در ۱۹۷۲، یعنی بیست سال پس از استقلال فجیره و يك سال پس از عضویت آن در فدراسیون، جنگی مرزی میان دو امارت در گرفت که مایه تلفات جانی بسیار از هر دو سو شد. جنگ هنگامی آغاز شد که حاکم پیشین فجیره، شیخ محمد شرقی، اعلام کرد که آماده است یکی از باغهای خود را به شیخ زاید رییس امارات عربی متّحده و حاکم ابوظبی هدیه کند. این تصمیم بی‌درنگ با مخالفت شارجه روبه‌رو شد که نسبت به آن باغ ادعا داشت. آن باغ با آب يك چاه مشروب می‌شد. به هر رو، دولت فدرال مداخله کرد و نیروهای پاسدار صلح فدرال و ابوظبی به منطقه فرستاده شدند. سپس دولت فدرال باغ را خرید و به دو طرف، حق دسترسی برابر به چاه داده شد. از آن هنگام تا کنون، نیروهای نظامی فدرال در آنجا مستقرند.

همچنین، در مه ۱۹۷۹ بر خورد نظامی دیگری میان

نفت جزیره ابوموسی به تساوی میان ایران و شارجه تقسیم شود؛ همچنین شارجه پذیرفت که در صدی از درآمد نفتی خود از این منطقه را به ام القوین بپردازد. این توافق، پس از بسته شدن پیمان میان ایران و شارجه صورت گرفت. اما مشکل اصلی این است که ام القوین هنوز ادعا می کند که سراسر آن حوزه نفتی متعلق به آن امارت است. ام القوین می گوید مبلغی که دریافت می کند بسیار ناچیز است و درخواست رسیدگی دوباره به موضوع را دارد. (Meri Report, 1985, 42)

شارجه - دویی: اختلافهای دیرپای سرزمینی میان این دو امارت نیز وجود دارد که حتی یک بار نزدیک بود به برخورد های نظامی بینجامد. کشمکش از هنگامی آغاز شد که شارجه دست به ساخت یک مجتمع تجاری به نام شارل دوگل در زمینهای مورد اختلاف زد. دویی ادعا می کرد که زمین محل احداث این مجتمع به آن امارت تعلق دارد و پس از آشکار شدن دشمنی ها، دو طرف تصمیم گرفتند مسأله را برای اظهار نظر به حقوقدانان بین المللی ارجاع کنند.

### مرزهای امارات عربی متحده با عربستان

تبلیغات و ادعاهای بی پایه مقامات امارات عربی متحده درباره جزایر ایرانی تنب و ابوموسی، در واقع هشدارهای مستقیمی است به عربستان. شیخ زاید رییس امارات عربی متحده و حاکم ابوظبی، مسأله جزایر سه گانه را با مسأله واحه لیوا و مرزهای نشانه گذاری نشده کشورش با عربستان یکجا مطرح کرده است. (EIU, United Arab Emirates, Country Report, No. 41992, 6)

عربستان نسبت به دو سوم سرزمین امارات عربی متحده ادعا دارد. ادعاهای آن کشور، مناطق نفت خیز و آباد امارات عربی متحده مانند بوریمی، العین، لیوا، ظفره، زراره و خور العید را در بر می گیرد. هر چند دو کشور در ۱۹۷۴ بر سر برخی مناطق مورد اختلاف به توافق رسیدند، ولی گزارشهای بعدی گویای دنباله داشتن اختلافها و ادعاهای سرزمینی دیرپا میان دو کشور است.

پیشینه اختلافهای سرزمینی دو کشور به نخستین

○ مرزهای داخلی در امارات عربی متحده، همواره عاملی کارساز در جلوگیری از دستیابی این کشور به یک هویت فدرالی راستین بوده است. در میان ۷ امارت، تنها ابوظبی و ام القوین واحدهای سرزمینی یکپارچه به شمار می روند. شارجه از ۵ بخش، عجمان با ۲۵۹ کیلومتر مربع از ۳ بخش، راس الخیمه، فجیره و دویی هر یک از دو بخش جداگانه تشکیل شده اند. نقشه سیاسی فدراسیون، در واقع گویای وجود اختلافهای مرزی و سرزمینی گوناگون در میان امارات عضو است.

امارت بسته شده بود که بر پایه آن، پهنای آبهای سرزمینی جزیره ابوموسی ۳ مایل در نظر گرفته شده بود. بنابراین، اقدام شارجه، نقض یکجانبه موافقتنامه امضاء شده میان دو امارت به شمار می رفت.

به هر رو، ام القوین و اکسیدنتال و نماینده سیاسی بریتانیا در خلیج فارس، از پذیرش اعتبار فرمان حاکم شارجه خودداری کردند. در همان هنگام، دولت ایران نیز با صدور بیانیه ای اعلام کرده بود که جزیره ابوموسی به ایران تعلق دارد و پهنای دریای سرزمینی آن بر پایه قوانین ایران ۱۲ مایل است. دولت ایران همچنین اعلام کرد که چنانچه کمپانیهای نفتی از کارهای خود در آبهای پیرامون ابوموسی دست نکشند، به نیروی نظامی متوسل خواهد شد. (علم، ۱۳۷۱، ۲۳۹) پس از آن، دولت بریتانیا به حاکم ام القوین اعلام کرد که شرکت نفتی اکسیدنتال باید از پیگیری عملیات خودداری کند؛ اما حاکم ام القوین سفارش بریتانیا را نپذیرفت و در نتیجه، نیروهای بریتانیا در یکم ژوئن ۱۹۷۰ از فعالیت آن شرکت جلوگیری کردند. چندی پس از آن، در ۱۹۷۱، ایران و شارجه بر سر جزیره ابوموسی به توافق رسیدند و پیمانی امضا کردند. بر پایه این پیمان، قرار شد

بریتانیا خط مرزی پیشنهاد شده از سوی عربستان را نپذیرفت و در ۲۵ نوامبر ۱۹۳۵ سر آندور رایان وزیر مختار بریتانیا در ریاض خط مرزی تازه‌ای به پادشاه عربستان پیشنهاد کرد. این مرز از دو خط مستقیم با یک نقطه گردش تشکیل می‌شد. خط مرزی ریان از جنوبی‌ترین نقطه خلیج سلوا آغاز می‌شد، مستقیم به جنوب خاوری می‌رفت و پس از ۲۵۰ کیلومتر به مدار ۵۲ درجه و نصف النهار ۲۳ درجه می‌رسید؛ از آنجا به سوی خاور می‌گشت و پس از ۳۵۰ کیلومتر به ام‌الزامول می‌رسید. این خط مرزی از ۲۲۵ کیلومتری جنوب واحه بوریمی و ابوظبی می‌گذشت. بر پایه این خط مرزی، خور العدید، سبخه مطی، ظفره، کوسای و ره و بوریمی به ابوظبی تعلق می‌گرفت. این خط مرزی را هم عربستان نپذیرفت.

پس از آن به مدت ۳ سال گفتگویی میان دو کشور صورت نگرفت تا اینکه در ۱۹۳۸، در آستانه جنگ جهانی دوم، گفتگوها برای تعیین سرحدات در لندن از سر گرفته شد. در لندن، وزیر امور خارجه عربستان یادداشتی به همتای انگلیسی خود داد که در آن ادعا شده

○ ابوظبی کمابیش نسبت به نیمی از خاک شیخ نشین دویی ادعا دارد. ابوظبی می‌گوید دویی در گذشته بخشی از قلمرو آن بوده است. ریشه اختلافها به ۱۸۳۳ بازمی‌گردد که یکی از طوایف بزرگ بنی یاس که در ابوظبی می‌زیستند، به دورترین بخش خاوری ابوظبی که دویی کنونی است کوچیدند و در آنجا ماندند و امارت دویی را برپا کردند. تا آن هنگام بخشی از امارت دویی جزو شارجه و بقیه جزو قلمرو ابوظبی بود. این مسأله همواره در گذشته مایه اختلاف دو امارت بوده است؛ اختلافی که حتا در ۱۹۴۶ به جنگی انجامید که یک سال به درازا کشید.

سالهای سده بیستم باز می‌گردد. از ۱۹۱۳، هفت خط مرزی میان دو کشور پیشنهاد شده است؛ با این حال هنوز مرز مشخصی روی زمین میان امارات عربی متحده و عربستان وجود ندارد. نخستین تحدید حدود، بر پایه موافقتنامه ۲۹ ژوئیه ۱۹۱۳ صورت گرفت. این قرارداد میان بریتانیا که سرپرستی روابط خارجی امارات را داشت و دولت عثمانی به امضاء رسید. این خط مرزی از جنوب جزیره زخونیه آغاز می‌شد، مستقیم از صحرای ربع الخالی می‌گذشت و به یمن می‌رسید. زمینهای واقع در خاور این خط متعلق به ابوظبی و عمان بود. این خط مرزی هنوز در برخی از نقشه‌های جغرافیایی دیده می‌شود. چندی پس از آن، عربستان با این استدلال که دولت عثمانی صلاحیت تعیین مرز برای عربستان را نداشته، خط یاد شده را بی اعتبار دانست ولی بریتانیا این ادعا را نپذیرفت و اعلام کرد که عربستان در بخشی از متصرفات دولت عثمانی تشکیل شده و باید تعهدات آنرا بپذیرد. در نتیجه، اختلاف همچنان ادامه یافت.

با کشف نفت در دهه ۱۹۳۰، بار دیگر مسأله مرزها برجسته شد. واگذاری امتیاز نفت از سوی عبدالعزیز ابن سعود پادشاه عربستان به یک کمپانی آمریکایی، سبب شد که بریتانیا به نمایندگی از امارات خلیج فارس برای تعیین مرزهای آنها با عربستان به گفتگو بنشیند. هدف بریتانیا این بود که عملیات اکتشاف و استخراج نفت از مرزهای عربستان فراتر نرود. در این گفتگوها که در آوریل ۱۹۳۵ در جدّه برگزار شد، وزیر امور خارجه عربستان یادداشتی به وزیر مختار بریتانیا داد که در آن، مرزی پیشنهاد شده بود که به گونه دو خط کمابیش مدور از جنوب خور دوهین (جنوب خور العدید) آغاز می‌شد و پس از گذشتن از سبخه مطی، واحه لیوا و شمال کوسایوره به ام‌الزامول در مرز عمان می‌رسید. این خط مرزی از ۱۷۵ کیلومتری جنوب ابوظبی و ۲۲۵ کیلومتری جنوب واحه بوریمی می‌گذشت. بر پایه این خط مرزی، نزدیک به نیمی از خاک ابوظبی به عربستان تعلق می‌گرفت و سبخه مطی، لیوا و بخشهایی از ظفره به قلمرو عربستان می‌پیوست. همچنین، عربستان از واحه بوریمی چشم می‌پوشید ولی در برابر، خور العدید در خاک آن کشور قرار می‌گرفت.



ادعا کرد که منطقه یاد شده متعلق به ابوظبی است. بریتانیا عملیات آرامکو و حضور سر بازان سعودی در آن منطقه را تجاوز به حقوق ابوظبی دانست و خواستار توقف عملیات شد. به دنبال آن، شرکت کارهای اکتشافی را متوقف کرد و گفتگوها درباره مرز، از سر گرفته شد. این بار عربستان مدعی مالکیت کمابیش سه چهارم خاک ابوظبی شد.

مرز پیشنهادی عربستان در ۱۹۴۹ از دو خط مستقیم با یک نقطه گردش تشکیل می شد. این خط از انتهای غربی جزیره ابوالایض یا خاور مرفع آغاز می شد و به طول ۳۵ کیلومتر به سمت جنوب باختری ادامه می یافت. این خط سپس به سوی خاور می گشت و مستقیم به واحه بوریمی می رسید. با این خط مرزی، خور العدید، سبخه مطی، لیوا، ظفره و بوریمی در خاک عربستان قرار می گرفت. به سخن دیگر، سرزمین ابوظبی تنها شهر ابوظبی را در بر می گرفت. گفتنی است که در آن هنگام در بوریمی نفت پیدا شده بود و سعودیها می خواستند بر این منطقه چنگ اندازند. همچنین، بر پایه این خط مرزی ۸ جزیره از جزایر ابوظبی در خلیج فارس و حوزه های نفتی آن به چنگ عربستان می افتاد. بریتانیا خط مرزی پیشنهاد شده از سوی عربستان را نپذیرفت و گفتگوها به شکست انجامید.

سه سال بعد، در ۱۹۵۲، بار دیگر نمایندگان عربستان و بریتانیا در شهر دمام در عربستان به گفتگو نشستند. نماینده بریتانیا خط مرزی تازه ای پیشنهاد کرد که بر پایه آن مناطق پهناوری در قلمرو ابوظبی قرار می گرفت. این مرز شامل سه خط مستقیم با دو نقطه گردش بود. این خط مرزی از سوداناتیل در جنوب شبه جزیره قطر آغاز می شد و پس از گذشتن از باختر سبخه مطی و چاه های صفق به سمت جنوب خاوری می گشت و به القرینی می رسید؛ سپس مستقیم به سوی شمال خاور می رفت و به ام الزامل پایان می گرفت. این خط از ۲۰۰ کیلومتری جنوب خط مرزی ۱۹۴۹ می گذشت. بر پایه این خط مرزی خور العدید، سبخه مطی، چاه های صفق، سرتاسر ظفره، واحه لیوا و نیمی از بوریمی به ابوظبی تعلق می گرفت؛ پیشنهادی که عربستان آنرا

بود، از دید تاریخی و هابیهها در آغاز سده نوزدهم نفوذ خود را در سرتاسر خلیج فارس گسترش داده بوده اند ولی انگلیسی ها این سلطه را از میان برده اند. گفتنی است که در سالهای ۵۲-۱۸۵۱ و هابیهها بار دیگر کوشیدند امارات متصالحه (امارات عربی متحده امروز) را به تصرف در آورند ولی از نیروی دریایی بریتانیا شکست خوردند. از آن پس بریتانیا بر پایه یک رشته قرارداد با امارات متصالحه، به پاسداری از خاک آنها پرداخت. سیاست بریتانیا در دوران حضور دیربایش در خلیج فارس، همواره بر جلوگیری از چنگ اندازی عربستان بر سراسر شبه جزیره استوار بود. بر سرهم، و هابیهها یکبار و آنهم برای مدت کوتاهی توانسته بودند برخی از امارات متصالحه را بگیرند.

به هر رو از نشست لندن نتیجه ای به دست نیامد و یک سال پس از آن جنگ جهانی دوم آغاز شد. در جریان جنگ، عربستان روابط نزدیکتری با آلمان برقرار کرد و هدفش جلب موافقت آلمان برای ضمیمه کردن امارات متصالحه به خاک خود بود، که با شکست آلمان در جنگ، نقشه های عربستان در این زمینه نقش بر آب شد.

ده سال بعد، با آغاز شدن کاوشهای نفتی در منطقه غربی سبخه مطی از سوی آرامکو، بار دیگر گفتگوها بر سر مرزها زنده شد. دولت بریتانیا به آرامکو اعتراض و

○ عربستان نسبت به دو سوم سرزمین امارات عربی متحده ادعا دارد. ادعاهای آن کشور، مناطق نفت خیز و آباد امارات عربی متحده مانند بوریمی، العین، لیوا، ظفره، زراره و خور العدید را در بر می گیرد. هر چند دو کشور در ۱۹۷۴ بر سر برخی مناطق مورد اختلاف به توافق رسیدند، ولی گزارشهای بعدی گویای دنباله داشتن اختلافها و ادعاهای سرزمینی دیرپا میان دو کشور است.

○ تبلیغات و ادعاهای بی پایه مقامات امارات عربی متحده درباره جزایر ایرانی تنب و ابوموسی، در واقع هشدارهای مستقیم است به عربستان. شیخ زاید رییس امارات عربی متحده و حاکم ابوظبی، مسأله جزایر سه گانه را با مسأله واحه لیوا و مرزهای نشانه گذاری نشده کشورش با عربستان یکجا مطرح کرده است.

مستقیم میان ابوظبی و عربستان بود. در آوریل ۱۹۶۴، حاکم ابوظبی دیدارهایی دوستانه با فیصل ولیعهد عربستان داشت و پس از اینکه شیخ زاید به حکومت ابوظبی رسید، با ملک فیصل پادشاه عربستان در ۱۹۶۷ دیدار کرد.

با خروج نیروهای بریتانیا از خلیج فارس در ۱۹۷۱، شیخ نشینها استقلال یافتند. به سخن دیگر، تا آن زمان بریتانیا از آنها در برابر چشمداشت‌های عربستان دفاع کرده بود و اکنون خودشان می‌بایست کار را به دست گیرند. ضعف سیاسی و نظامی امارات و وجود اختلافها و دشمنیهای داخلی، آنها را در برابر عربستان آسیب پذیر می‌ساخت. در نتیجه، بریتانیا اتحادیه‌ای از امارات به نام امارات عربی متحده برپا کرد. اما عربستان از شناسایی رسمی این کشور تازه خودداری و آنرا موکول به حل و فصل اختلافهای مرزی و سرزمینی میان دو کشور کرد.

در سالهای بعد، دو عامل سبب از سر گرفته شدن گفتگوها برای تعیین مرزها شد: نخست اینکه، دولت نوپای امارات عربی متحده شناسایی عربستان یعنی بزرگترین همسایه خود را برای استواری پایه‌های قدرت خود لازم می‌دانست و از همین رو آمادگی خود را برای گفتگو با عربستان اعلام کرد. دوم اینکه، شرکت نفتی آرامکو در ۱۹۷۰ به ذخایر بزرگی از نفت در منطقه شعیبه در خاک عربستان، نزدیک مرز امارات عربی

پذیرفت. بدین سان، نشست دمام در زمینه تعیین مرز میان ابوظبی و عربستان به شکست انجامید و طرفین به امضای يك «موافقتنامه است» بسنده کردند، بدین مضمون که وضع موجود سرحدات خاوری را نپذیرند و از کاوشهای نفتی در مناطق مورد اختلاف خودداری کنند.

ولی عربستان به این موافقتنامه پایبند نماند و با فرستادن نیروی نظامی به واحه بوریمی، وضع موجود را برهم زد که به بحرانی سنگین انجامید. بریتانیا در ۲۶ اکتبر ۱۹۵۵ يك خط مرزی تازه پیشنهاد کرد که به خط اصلاح شده ریاض یاریان معروف شد، زیرا تفاوت‌هایی اندک با خط مرزی پیشنهاد شده در ۲۵ نوامبر ۱۹۳۵ داشت. این مرز از ۴ خط مستقیم با سه نقطه گردش تشکیل می‌شد؛ از سوداناتیل آغاز می‌گشت و مستقیم به سمت جنوب ادامه می‌یافت و به چاههای صفق می‌رسید. برای اینکه این چاهها در خاک عربستان قرار گیرد، خط مذکور در بالای مدار ۲۴ درجه به سمت جنوب خاوری ادامه می‌یافت. این خط در باختر سبخه مطی به سمت جنوب می‌گشت و پس از رسیدن به مدار ۵۲ درجه، مستقیم به سمت خاور گردش می‌کرد و به ام‌الزامل می‌رسید. بر پایه این خط مرزی، خورالعدید، لیوا، ظفروه و کوسای وره به خاک ابوظبی می‌پیوست. به علت پافشاری عربستان بر ادعاهای خود، این بار نیز توافقی به دست نیامد.

در ۱۹۶۰ عربستان و بریتانیا به گونه رسمی خواستار «مساعی جمیله» هامر شولد دبیر کل سازمان ملل شدند. دبیر کل، هربرت دوربینگ سفیر سوئد در مادرید را بعنوان نماینده خود برگزید. او در تابستان ۱۹۶۰ از منطقه دیدن کرد و نتیجه بررسیهای خود را در گزارشی به آگاهی دبیر کل رساند. نماینده دبیر کل بار دیگر در ۱۹۶۲ به عربستان و کشورهای خلیج فارس سفر کرد، اما پیشرفت چشمگیری در زمینه حل و فصل اختلافهای سرزمینی و مرزی دو کشور به دست نیامد.

در ۱۹۶۳، به علت رویدادها در یمن، عربستان روابط خود با بریتانیا را که در ۱۹۵۶ قطع شده بود، از سر گرفت. بهبود روابط امکان حل و فصل اختلافها را بیشتر کرد. رویداد امیدوار کننده دیگر، برقراری تماسهای

عقب کشیده شده و بر پایه آن، بخشهای پهناوری از خاک ابوظبی در باختر و جنوب آن به عربستان واگذار شده است. این زمینها، مناطق استراتژیک خور العدید، جبل العدید، عقله نخله، دوحه سمیره، خور دویهن، و جزایر غاغه را در بر می گیرد و کمابیش یک سوم خاک ابوظبی است. بدین سان، عربستان توانست در باختر امارات عربی متّحده، به خلیج فارس راه یابد و پیوند زمینی آن کشور با قطر را بگسلد. عربستان همچنین بهره برداری از میدان نفتی شعیبه و زراره را به گونه انحصاری به دست آورده است. ذخایر نفتی در میدانهای یاد شده ۷ میلیارد بشکه و ارزش آن به قیمت‌های ۱۹۹۳، بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار برآورد می شود.

پس از امضای این قرارداد، کمیته‌ای از نمایندگان دو کشور به سرپرستی شیخ احمد زکی یمانی وزیر نفت عربستان و مانع سعید العتیبه وزیر نفت امارات عربی متّحده برای نشانه گذاری مرزها، در اکتبر ۱۹۷۴ تعیین شد؛ ولی پیش از برگزاری نخستین نشست این کمیته، مانع سعید العتیبه به دیدار شیخ زاید رییس امارات و حاکم ابوظبی رفت و او را از اشتباهات بزرگی که در موافقتنامه مرزی ۱۹۷۴ پیش آمده بود آگاه کرد. این مسأله سبب شد که کار به تعویق افتد. پس از بررسی موضوع، آشکار شد که بر پایه آن موافقتنامه مرزی، نه تنها خور العدید، بلکه بخشهایی از سرزمین عمان که بر پایه قرارداد مرزی ۱۹۶۶ به ابوظبی تعلق گرفته بوده، به عربستان واگذار شده است. در این مورد می توان از العین نام برد که بخش بزرگی از آن به عربستان داده شده بود. خط مرزی تازه از میان هتل هیلتون در شهر العین می گذشت و ویلای ولیعهد ابوظبی را در قلمرو عربستان قرار می داد. (مسائل جهان، شماره ۲۰۱، ۱۳۵۷)

شهر العین در منطقه بوری می واقع شده است و برای امارات بسیار اهمیت دارد. العین دارای چشمه سارها، باغها و کشتزارهای سرسبز است و بیشترین بخش آب شیرین ابوظبی از آنجا به دست می آید. گذشته از آن، شیخ زاید جوانی خود را در العین گذرانده و آتر اوطن اصلی خود به شمار می آورد و از همین رو، از دست دادن آن برایش بسیار دشوار بود.

این مسأله موجب شد که نشستهای کمیته مشترک

○ امروزه با اینکه روابط امارات عربی متّحده و عربستان بهبود یافته، اختلافهای مرزی و سرزمینی دو کشور همچنان پابرجاست. برای نمونه، در سپتامبر ۲۰۰۹ عربستان اعلام کرد که شهر و ندان امارات عربی متّحده از آن پس نمی توانند با بر گه شناسایی به عربستان بیایند و باید گذرنامه داشته باشند. علت، چاپ شدن نقشه‌ای بر پشت برگه شناسایی شهر و ندان اماراتی است که با قرارداد مرزی ۱۹۷۴ میان دو کشور همخوانی ندارد.

متّحده دست یافت. بخش بزرگتر این میدان در سرزمین امارات عربی متّحده واقع شده و زراره خوانده می شود. عربستان می خواست از این میدان نفتی بهره برداری کند و این کار در گرو توافق با امارات عربی متّحده و مشخص شدن مرز میان دو کشور بود. از همین رو عربستان نیز به حلّ و فصل اختلافها تمایل نشان داد گفتگوها که بسیار پیچیده بود، آغاز شد و در ۱۹۷۴ به بسته شدن یک موافقتنامه مرزی انجامید. پس از آن، عربستان به شناسایی امارات عربی متّحده اقدام و با آن روابط سیاسی برقرار کرد.

متن موافقتنامه مرزی ۱۹۷۴ و نقشه‌های مربوط به آن منتشر نشده است، اما بر پایه برخی گزارشها، خط مرزی تازه کمابیش با مرز پیشنهادی ابن سعود پادشاه عربستان در آوریل ۱۹۳۵ همخوانی دارد که از سه خط مستقیم با دو نقطه گردش تشکیل می شود. این خط مرزی از جنوب خور العدید آغاز می شود و کمابیش ۵۰ مایل به سمت جنوب پیش می رود؛ سپس به سوی جنوب خاوری تغییر مسیر می دهد و پس از ۸۰ مایل دوباره به سمت خاور گردش می کند. این خط مرزی سپس مستقیم و به درازای کمابیش ۱۵۰ مایل به امّ الزامول می رسد. درازای این خط نزدیک به ۲۸۰ مایل یا ۵۰۰ کیلومتر است.

خط مرزی تازه، در سنجش با خط مرزی ۱۹۵۲

شیخ زاید بار دیگر کوشید اختلافها را به گونه‌ای از میان بردارد و فرمائی دربارهٔ ایجاد یک کمیته زیر نظر مستقیم وزیر امور خارجهٔ امارات عربی متحده صادر کرد. وظیفهٔ این کمیته، بررسی و ترسیم مرزهای ملی امارات عربی متحده با عربستان، عمان، قطر و ایران بود. مراد شیخ زاید از این کار، دو چیز بود: نخست اینکه، از میان رفتن اختلافهای مرزی و سرزمینی به گونهٔ قطعی، احساس هویت مشترک را در اعضای اتحادیهٔ امارات تقویت می‌کرد؛ دوم اینکه، این کار پیشینه و نمونه‌ای برای حل و فصل اختلافهای فوری و ادعاهای سرزمینی در درون اتحادیهٔ امارات عربی متحده می‌شد. (Litwak, 1981, 54)

امروزه با اینکه روابط امارات عربی متحده و عربستان بهبود یافته، اختلافهای مرزی و سرزمینی دو کشور همچنان پابرجاست. برای نمونه، در سپتامبر ۲۰۰۹ عربستان اعلام کرد که شهروندان امارات عربی متحده از آن پس نمی‌توانند با برگهٔ شناسایی به عربستان بیایند و باید گذرنامه داشته باشند. علت، چاپ شدن نقشه‌ای بر پشت برگهٔ شناسایی شهروندان اماراتی است که با قرارداد مرزی ۱۹۷۴ میان دو کشور همخوانی ندارد. (روزنامهٔ جوان، ۹ شهریور ۱۳۸۸)

(دنباله دارد)

مرزی برگزار نشود. مهدی تاجر سفیر امارات عربی متحده در لندن و نمایندهٔ تام‌الاختیار آن کشور در گفتگوهای مربوط به موافقتنامهٔ مرزی ۱۹۷۴ نیز به خاطر اشتباه یاد شده مورد بازخواست قرار گرفت. وی خود را به علت ناآگاهی از نقشه‌ها و مسائل جغرافیایی مرزی بی‌گناه دانست ولی یاد آور شد که امیر فهد قول داده است با فرستادن نامه‌ای مشکلات پیش آمده را از میان بردارد؛ اما ابوظبی هرگز نامهٔ امیر فهد را دریافت نکرد. بدین‌سان، آشکار شده بود که علت مخالفت عربستان با شرکت شیخ احمد خلیفه السویدی وزیر امور خارجهٔ امارات عربی متحده در گفتگوهای مربوط به موافقتنامهٔ مرزی ۱۹۷۴ چه بوده است. سویدی اطلاعات وسیعی در مورد بوریمی، العین و مسائل مرزی آن داشت و چنانچه در گفتگوها حاضر می‌بود، سعودیها نمی‌توانستند به هدفهای خود دست یابند.

از سوی دیگر، دولت عمان نیز به موافقتنامهٔ مرزی ۱۹۷۴ میان عربستان و امارات عربی متحده اعتراض کرد. اعتراض عمان به خاطر توافق دو کشور بر سر مسألهٔ بوریمی بود. عمان در این زمینه ذینفع بود، اما مورد مشورت قرار نگرفته بود. به هر رو، موافقتنامهٔ مرزی ۱۹۷۴ به تصویب نرسید و اختلافهای مرزی و سرزمینی عربستان و امارات همچنان ادامه یافت.